خبرها

۳۷ مقاله در همایش ایران، یکصد سال پس از مشروطه

خبر شرق: مطابق آخرین بررسی‌ها، عمده مقالات و خلاصه مقالات همایش ایران، یکصد سال پس از مشروطیت به دبیرخانه همایش رسید و قرار است طی روزهای ۱۴ و ۱۵ مردادماه در جلسات همایش ارائه شوند یا در کتاب همایش به چاپ برسند. برخی مقالات و خلاصه مقالات آماده شده بدین شرح‌اند:

۱- تکوین خودآگاهی ملی و وطن‌پرستی در روزنامه‌های منتشر شده خارج از ایران، به قلم دکتر منصوره اتحادیه مورخ و پژوهشگر.

۲- نظامیان و سیاست در ایران بعد از مشروطیت، به قلم دکتر علیرضا علوی‌تبار استاد دانشگاه.

۳- چهره زنان در طنز مشروطه، به قلم خانم رویا صدر روزنامه‌نگار و نویسنده.

۴- گرانیگاه، مطبوعات مستقل و موثر سیاسی ایران در کجاست، به قلم دکتر هادی خانیکی استاد دانشگاه.

۵- درآمدگونه‌ای بر: «مرز مشروطه‌سرایی و مشروطه‌شناسی»، به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادیخواه رئیس بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.

۶- تحلیل واقعه مشروطه از منظر اقتصاد سیاسی، به قلم دکتر مسعود نیلی استاد دانشگاه و علیرضا ساعدی.

۷- اندیشه اقتصادی در جنبش مشروطه‌خواهی، به قلم دکتر موسی غنی‌نژاد استاد دانشگاه.

۸- جایگاه دین و حقوق مردم در حکومت مشروطه از دیدگاه آخوند خراسانی، به قلم دکتر محسن کدیور استاد دانشگاه.

۹- پیروزی شکست، مطبوعات ایران از فرمان تا کودتا، به قلم سیدفرید قاسمی پژوهشگر و مورخ مطبوعات.

۱۰- آسیب‌شناسی سخن دموکراسی‌خواهانه در ایران، به قلم دکتر محمدجواد کاشی استاد دانشگاه.

۱۱- مشروطیت، گذاری از دولت پاتریمونیال به دولت خودکامه، به قلم دکتر جواد اطاعت استاد دانشگاه.

۱۲- انقلاب مشروطیت، انقلاب ناتمام، دکتر سیدعطاءالله مهاجرانی استاد دانشگاه و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد.

۱۳- پروگرام مشروطه، به قلم کاوه بیات مورخ و نویسنده.

۱۴- مشروطیت آن اصلاحاتی که فراموش نشد، به قلم مراد ثقفی پژوهشگر و مدیر مجله گفتگو.

۱۵- اندیشه مشروطیت از دیدگاه میرزای نائینی، زمینه‌ها و پیامدها، به قلم سیدصادق خرازی سفیر سابق ایران در فرانسه.

۱۶- دعاوی بی‌پایه علیه پیشوایان مشروطه، به قلم دکتر اکبر ثبوت نویسنده و پژوهشگر.

۱۷- برای تحقق دموکراسی، به قلم عمادالدین باقی پژوهشگر و نویسنده.

۱۸- جامعه‌شناسی حقوقی مشروطه، به قلم کامبیز نوروزی حقوقدان.

۱۹- چرا دموکراسی نمی‌آید، به قلم دکتر حمیدرضا جلایی‌پور استاد دانشگاه.

۲۰- تکالیف معوقه در مشروطه، به قلم دکتر سعید حجاریان نویسنده و روزنامه‌نگار.

۲۱- اندیشه‌های سیاسی میرزافضل‌علی تبریزی، به قلم دکتر جلال توکلیان سردبیر مجله مدرسه.

۲۲- گذر از مکتب‌خانه به مدرسه، به قلم علی‌اصغر سیدآبادی نویسنده و روزنامه‌نگار.

۲۳- الگوهای تجدد در درام مشروطه، به قلم حمید امجد پژوهشگر و کارگردان تئاتر.

۲۴- تجربه مشروطیت و بحران آزادی در ایران لطف‌الله آجودانیان پژوهشگر.

۲۵- جامعه ما و قانون اساسی مشروطه، پرویز اختیارالدین.

۲۶- موانع دموکراسی در ایران، به قلم دکتر صفر یوسفی استاد دانشگاه.

۲۷- شرح حال عالم جلیل‌القدر آقاشیخ اسماعیل محلاتی، به قلم اسماعیل روحانی.

۲۸- پیدایش انجمن‌ها و بست‌ها در عصر مشروطیت، به قلم اسدالله معطوفی.

۲۹- مهاجرت صغری، به قلم غلامرضا مراتبی.

۳۰- علل ناکامی‌های ما در جنبش مشروطه و جنبش‌های در تداوم آن، به قلم آقایان فرهاد ناطقی، رضا غلامحسین و فرجاد ناطقی.

۳۱- آسیب‌شناسی ظهور و کارکرد مطبوعات اولیه ارگان در ایران (از مشروطه تا انحلال مجلس سوم)، به قلم علیرضا باقری‌ده‌آبادی.

۳۲- درآمدی برخاستگاه‌های فکری مشروطیت با تکیه بر افکار حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، به قلم کیوان لولویی.

۳۳- عوامل تاخیر دموکراسی و مشروطه در ایران، به قلم محمد نکوروح نویسنده و پژوهشگر.

۳۴- انگیزه‌های سیاسی و انگاره‌های ملی در مشروطیت، به قلم دکتر محمدمهدی مرادی‌خلج استاد دانشگاه.

۳۵- ادبیات عصر مشروطیت، به قلم دکتر مهدی شریفیان استاد دانشگاه.

۳۶- آسیب‌شناسی فرآیند اصلاحات دموکراتیک در ایران معاصر، به قلم دکتر محسن خلیلی استاد دانشگاه.

۳۷- جریان انقلابی و ضدانقلابی نهضت مشروطیت در ایران، به قلم دکتر منوچهر آشتیانی استاد دانشگاه.

به علاوه مقالات فراوان و متعددی به دبیرخانه رسیده است که به احتمال قوی در مجموعه انتشارات همایش به چاپ خواهد رسید.

ارتباط با صفحه مشروطه
سایت WWW.100years.ir
پست الکترونیک info@100years.ir
ارسال مقالات article@100years.ir

شورای نظامی سنتو

گزارش سال ۱۳۳۸

صد سال

جنگ سرد و تنش‌های مرزی ایران

حسن مرسل‌وند: جنگ سرد به‌رغم نامش، در سراسر جهان آتش درگیری و تنش را با حرارت هر چه بیشتر، شعله‌ورتر می‌کرد. تقابل و رودررویی دو بلوک شرق و غرب با کودتای عراق که واکنش خشمگینانه و تند آمریکا و رضایت و پشتیبانی شوروی را در پی داشت، موجب بازتولید این تنش در منطقه خاورمیانه شد. بی‌آنکه مردم ایران و عراق در این رویارویی سهمی داشته باشند، دو رژیم وابسته به شرق و غرب در ایران و عراق، رودرروی یکدیگر صف‌آرایی کردند. هنوز ۳ روز از بهار این سال نگذشته بود که عبدالکریم قاسم رهبر عراق، خروج کشورش را از پیمان بغداد اعلام کرد. در پی این رویداد، ایران به مرکز ثقل پیمان بغداد تبدیل شد و این حادثه سرعت نزدیکی ایران به غرب را دوچندان کرد. به موازات این رویدادها، درگیری و چالش ایران و اتحاد جماهیر شوروی نیز شدت گرفت. اردوگاه سوسیالیسم دولتی که در پی مبارزات ضدامپریالیستی مصر و عراق، ایران را بزرگترین پایگاه آمریکا در خاورمیانه ارزیابی می‌کرد، حملات رسانه‌ای و تبلیغاتی خود را به ایران افزایش داد. روزنامه‌های لهستان و بخش فارسی رادیو مسکو، حکومت ایران به ویژه شاه را مورد حمله قرار دادند و او را آلت دست امپریالیسم خواندند. در ۱۱ فروردین ماه، دولت ایران بلندگوهایی در مرز شوروی نصب کرد تا پاسخ ایران را مردم مرزنشین شوروی بشنوند. اتحاد جماهیر شوروی نیز بیکار ننشست و ۶ فروند هواپیمای جت جنگی خود را به صورت غیرمجاز با تجاوز به آسمان گیلان و بخشی از آذربایجان به پرواز درآورد. وزارت امور خارجه ایران نیز بلافاصله واکنش نشان داد و در ۴ اردیبهشت ماه به تجاوز هوایی شوروی به آسمان ایران به شدت اعتراض کرد. درگیری‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای میان ایران و شوروی با این تجاوز هوایی وارد مرحله نوینی شد. ایران که از سوی رژیم عراق احساس خطر می‌کرد، از مبارزه کردهای عراقی با نیروهای دولتی عراق پشتیبانی کرد و در ۱۵ اردیبهشت ماه به ۵ هزار کرد عراقی که پس از زد و خوردی خونین با نظامیان عراقی وارد خاک ایران شده بودند، پناهندگی داد. دولت ایران همچنین دستور داد تا از این پناهندگان پذیرایی کامل به عمل آید و مسکن و تغذیه آنان تامین شود. در ۲۷ اردیبهشت ماه، یک اتومبیل جیپ سفارت شوروی که با چهار سرنشین در روز روشن و آشکارا اعلامیه‌ها و نشریات تبلیغاتی بین مردم تهران و کسبه پخش می‌کرد، به دست نیروهای انتظامی بازداشت شد. همچنین در ادامه این رویارویی‌ها، خروشچف رهبر شوروی در هر نطقی که درباره رویدادهای خاورمیانه ایراد می‌کرد، دربار ایران و شخص شاه را به طور مستقیم مورد حمله و انتقاد قرار می‌داد و از به کار بردن الفاظ رکیک و ناپسند نیز پرهیز نداشت. شاه نیز در مقابل، تصمیم گرفت تا به اردوگاه غرب و متحدان آمریکا در منطقه نزدیکتر شود و در برابر حملات اردوگاه سوسیالیسم دولتی شرق، چتر حمایتی محکم‌تری به دست آورد. به همین منظور در ۱۳ خردادماه، قرارداد بازرگانی میان ایران و فرانسه در تهران امضا و مبادله شد. دو روز پس از آن نیز، قرارداد مرزی ایران و پاکستان برای رفع اختلالات مرزی امضا و مبادله شد. شاید پربیراه نباشد اگر بگوییم مهندس محمد علوی از اعضای رهبری حزب توده ایران نیز قربانی کشمکش میان ایران و شوروی شد. وی در تاریخ ۲۵ خردادماه همین سال، پس از اینکه ۶ سال از کودتای ۲۸ مرداد گذشته بود، برابر جوخه اعدام ایستاد و تیرباران شد. همچنین شاه ایران که در مقابل هجوم تبلیغاتی شوروی قرار گرفته بود و پایگاه مردمی خود را نیز پس از کودتا از دست داده بود، تصمیم گرفت تا با رفتاری نمایشی و با سوءاستفاده از احساسات ناسیونالیستی، مذهبی و ضدکمونیستی توده‌های مردم، به جنگ با حریف سرسخت خود ادامه دهد. وی بنابر این سیاست پوپولیستی، تظاهرات ضدشوروی را در سراسر کشور ساماندهی کرد. در ۹ تیرماه به دستور دولت هزاران نفر از اهالی جنوب تهران در محل سیدملک خاتون گرد آمدند و نسبت به اظهارات رادیوهای مسکو و دیگر کشورهای بلوک شرق ابراز تنفر کردند. مردم خوزستان نیز در ۸ مردادماه در گردهمایی بزرگی علیه تبلیغات و حملات شوروی به تظاهرات و اعتراض پرداختند. در همین رابطه سازمانی به نام «جمعیت دفاع ملی» راه‌اندازی شد که کانونی ضدروسی و ضدکمونیستی بود. این سازمان در ۱۵ شهریورماه در مسجد شاه تهران نسبت به حملات رادیو مسکو واکنش نشان داد و ابراهیم حکیمی- حکیم‌الملک- رئیس جمعیت، اتحاد جماهیر شوروی را مورد نکوهش و اعتراض قرار داد. جنگ سرد میان ایران و شوروی مراحل بحرانی و خطرناکی را سپری می‌کرد تا این که در نیمه این سال پگوف سفیر شوروی در ایران، پس از ۶ ماه دوری از محل ماموریت خود، همراه با پیام ویژه‌ای از سوی خروشچف به تهران بازگشت. پس از این رویداد دیپلماتیک، هر دو کشور خواهان فروکش کردن این مرحله بحرانی و پرتنش بودند. در همین رابطه روز ۳ مهرماه، جمعیت دفاع ملی فعالیت‌های ضدکمونیستی خود را پایان داد و در ۸ مهرماه عبدالحسین مسعود انصاری سفیر کبیر ایران در شوروی همراه با پیام دولت ایران، به مسکو رفت. در یکم آذرماه این سال، مراسم نامزدی شاه با فرح دیبا برگزار شد و در روزهای پایانی همین ماه مراسم ازدواج رسمی نیز برپا شد.

شاه که توانسته بود از شدت وخامت درگیری و تنش میان ایران و شوروی بکاهد، همچنان از سوی مرزهای جنوب و جنوب غربی کشور نگران بود. در ۱۱ آذرماه، عبدالکریم قاسم رهبر کودتای عراق، ادعای مالکیت ۵ کیلومتر از خاک ایران در نوار مرزی را کرد! این ادعا با واکنش تند و سریع ایران روبه‌رو شد. در ۲۹ آذرماه لشکر خوزستان برای پیشگیری از تجاوز احتمالی عراق، به حالت آماده‌باش کامل درآمد و از کرمانشاه و تبریز، ستون‌های تقویتی ارتش به سوی مرزهای ایران و عراق پیش رفتند. عباس آرام وزیر امور خارجه نیز به مجلس رفت و همه ادعاهای عبدالکریم قاسم را رد کرد و واهی خواند.

در حالی که ناآرامی و تنش مرزی میان ایران و عراق در سراشیبی تندی افتاده بود، ژنرال آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در ۲۲ آذرماه برای یک توقف پنج ساعته، شتابان به تهران آمد و در جلسه مشترک مجلسین نطقی ایراد کرد. روز ۱۳ دی‌ماه دولت ایران با انتشار اعلامیه‌ای رسمی درباره بحران میان ایران و عراق توضیحاتی داد و دولت عراق را ناقض قرارداد سال ۱۳۱۶، معرفی کرد.

در ۳۰ دی‌ماه براساس تقسیمات جدید کشوری، ایران به ۱۷ استان و ۱۴۵ شهرستان تقسیم شد. در بهمن‌ماه این سال کارخانه قند فریمان نیز آغاز به کار کرد. همچنین در این ماه دولت آمریکا ۲۵ میلیون دلار وام در اختیار دولت ایران قرار داد. در اسفندماه این سال به مناسبت پنجمین سالگرد تشکیل پیمان سنتو، اعلامیه مشترکی از سوی رهبران ایران، ترکیه و پاکستان منتشر شد. همچنین در این ماه کارخانه تصفیه شکر اهواز گشایش یافت و در روزهای پایانی سال، لایحه اصلاحات ارضی که از چندی پیش در مجلس شورای ملی مورد گفت‌وگو و مذاکره بود، تصویب شد.

میرزا آقاخان کرمانی

حسین ایمانی

صد چهره

تاریخ مشروطه ایران با تمام فراز و نشیب‌هایش قصه‌ای است طولانی از آغاز راهی که یک ملت برای دستیابی به حقوق اساسی و طبیعی خود در آن گام نهاد. در این سناریوی تاریخی بازیگران مهمی نقش ایفا کردند، چهره‌های تاثیرگذاری آمدند و رفتند تا این قافله را به سرمنزل مقصود راهنمایی کنند. بسیاری از این اشخاص تاثیرگذار بیشتر فعالیت خود را به حوزه عمل و سیاست معطوف کردند. در این میان کسانی هم بودند که علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، در حوزه نظری هم به روشنگری و آگاه‌سازی اذهان مردم پرداختند. از میان این افراد که می‌توان آنها را از پایه‌گذاران جریان روشنفکری معاصر دانست که پس از قرن‌ها سکوت و خاموشی در عرصه فکر و اندیشه ظهور کردند می‌توان کسانی مانند طالبوف، میرزا ملکم‌خان، آخوندزاده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ده‌ها اندیشمند دیگر را نام برد که در آگاه کردن توده مردم و پیدایش و شکل‌گیری نهضت مشروطه سهم عمده‌ای داشتند. در مورد افکار و نحوه عملکرد آنها هم نقد و انتقاد فراوان بوده و هم تعریف و تمجید که بسیاری از این گفته‌ها خالی از حب و بغض و غرض‌ورزی نبوده و کمتر مورد نقادی و ارزیابی علمی و واقع‌بینانه قرار گرفته‌اند. شاید تنها در سال‌های اخیر مورد نقد دقیق علمی از جانب بعضی از نویسندگان و مورخان قرار گرفته‌اند که این جای بسی امیدواری است که نقد دقیق علمی با توجه به شرایط زمانی و مکانی جایگزین تهمت‌ها و تعریف‌های بی‌اندازه شود. قضاوت در مورد این اشخاص موضوعی نیست که در این مقاله به آن پرداخته شود و نیاز به فرصت و مجال دیگری دارد. در این مقاله سعی شده است که در راستای تحول اندیشه در تاریخ روشنفکری این مرز و بوم سه تن از پیشگامان این نهضت فکری معرفی شوند. سرنوشت غم‌انگیز این سه‌تن که به طرز فجیعی به قتل رسیدند حکایت از سرنوشت تلخ روشنفکری در این سرزمین دارد و نشان‌دهنده این امر است که در بحبوحه نبرد میان استبداد و آزادی چه هزینه‌های سختی می‌تواند دامنگیر روشنفکران شود و تا زمانی که جریان روشنفکری از حمایت و عقبه مردمی که به سلاح آگاهی و دانش مجهز شده‌اند برخوردار نباشد حرکتی عقیم و شکست‌پذیر خواهد بود و یا حداقل تاثیر آن در کوتاه‌مدت قابل انتظار نیست.

میرزا آقاخان کرمانی که نام اصلی وی عبدالحسین بود در سال ۱۲۷۰ هجری قمری مطابق با ۱۸۵۳ میلادی متولد شد. نام پدرش میرزا عبدالرحیم بردسیری (بردسیر ناحیه‌ای نزدیک کرمان است) بود و مادرش دختر میرزا کاظم بن میرزا محمدتقی مظفر علیشاه است. وی ریاضیات، علوم طبیعی و فلسفه را در کرمان آموخت و زبان‌های ترکی، فرانسوی و مقداری هم انگلیسی یاد گرفت. در سال ۱۳۰۲ هجری قمری به علت ظلم و تعدی حاکم کرمان سلطان عبدالحمید میرزا ناصرالدوله به اصفهان مهاجرت کرد. در اصفهان مورد حمایت شاهزاده ظل‌السلطان قرار گرفت ولی به علت تنفر از زندگی درباری در آنجا هم نماند و به تهران رفت و در آنجا به همراه شیخ احمد روحی کرمانی به استانبول رفته و در روزنامه فارسی‌زبان اختر استخدام شد و در همان‌جا با سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز آشنا شد و با همراهی وی جهت بیدار ساختن ایرانیان و پیشبرد آرمان اتحاد اسلام فعالیت می‌کرد. از وی تالیفات و خطابه‌های چندی به‌جای مانده از جمله تاریخ نثری به‌نام آینه سکندری و دیگری تاریخ منظوم تحت عنوان نامه باستان که آن را در سال ۱۳۱۳ هنگامی که در زندان طرابوزان بود تالیف کرد. تاریخ منظوم وی را پس از مرگش فرمانفرما سالار لشکر در سال ۱۳۱۵ با حذف بعضی از قسمت‌ها با عنوان سالاریه به چاپ رساند.

بنا به برخی از شواهد عامل گرفتاری وی و دیگر همراهانش در استانبول علاءالملک سفیر ایران در عثمانی بود. وی در نامه‌ای که به سلطان عثمانی عبدالحمیدخان نوشت شورش ارامنه که در سال ۱۳۱۲ در استانبول روی داد را به تحریک سیدجمال‌الدین، میرزاحسین خبیرالملک کنسول دولت علیه ایران و میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی نسبت داد به علاوه آنها را متهم کرد با نوشته‌های خود باعث برخی فتنه‌ها در ایران هم شده‌اند. هر چند هیچ سند آشکاری مبنی بر این اتهام‌ها از این سه تن به‌دست نیامد ولی این ترفندها موثر واقع شد و این سه تن را به طرابوزان فرستاده و در آنجا حبس کردند، تا اینکه در سال ۱۳۱۳ که ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی به قتل رسید، سفیر ایران ترور ناصرالدین شاه را نیز به تحریک این سه تن عنوان کرد و هنگام جلوس مظفرالدین شاه به تخت سلطنت این سه نفر را از طرابوزان به تبریز آوردند و به امر ولیعهد محمدعلی میرزا در سال ۱۳۱۴ به قتل رسانیدند.

روزنامه‌نگاری پیش از مشروطه

علیرضا باقری‌ده‌آبادی

صد نهاد

در آثار منتشر شده پیرامون تاریخ مطبوعات ایران مطبوعات پیش از مشروطه همواره به دو دوره عصر ناصری و مظفری تقسیم شده است. نیم قرن سلطنت ناصرالدین شاه این فرصت را به وجود آورد که افرادی چون میرزاتقی‌خان امیرکبیر و به ویژه میرزاحسین‌خان سپهسالار به اندازه‌ای در زمینه مطبوعات نقش‌آفرینی کنند که نام آنها در تاریخ و در پیوند با موضوع مطبوعات در ایران جاودان شود. ویژگی اساسی مطبوعات دوره ناصری در دو بخش قابل بررسی است؛ بخش نخست از سال ۱۲۶۸ ق تا سال ۱۲۸۸ در برگیرنده مطبوعات دولتی است و به نوعی منافع دولت و حکومت در آنها مسطور است. بخش دیگر که عمدتاً مطبوعات دولتی ونیز غیردولتی را شامل می‌شد از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ چرا که حرکت به سوی سیاسی شدن و نوشتن مطالب آزاد و انتقادی اندک‌اندک به روزنامه‌ها راه یافت. با این حال در تمام این سال‌ها که روزنامه‌های دولتی منتشره می‌شدند به‌رغم اجبار فراوان حکومت جهت خرید آن به دلیل فقدان جذابیت و سانسور گسترده خبری مورد اقبال عمومی واقع نمی‌شد تا جایی که روزنامه‌های دولتی حتی در میان ماموران و نمایندگان دولتی نیز خریدار چندانی نداشت. (محمدمحیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران) در چنین فضایی که میرزاحسین‌خان سپهسالار به صدارت رسید، مطبوعات در ایران در یک چرخش اساسی دارای محتوا شدند. در مجموع بررسی روزنامه‌هایی که در دوران سپهسالار منتشر شدند دو جریان فکری را به خوبی نمایان می‌سازد. نخست به روند عقیدتی اصلاح‌طلبانه و آزادیخواهانه و تحرک‌پذیر روزنامه‌های این دوره بازمی‌گردد که به شدت متاثر از اندیشه‌های آزادیخواهانه صدراعظم ایران است و دوم چارچوب فکری ایستا، اختناق‌پذیر و ژورنالیسم منحرف و کم‌محتوای اداره انطباعات به ریاست محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه.

در این دوران برای نخستین بار روزنامه‌هایی پا به عرصه حیات گذاشتند که رسماً عدم وابستگی خود را به کانون‌های قدرت ابراز می‌کردند و در مطالب خود به اندازه‌ای متفاوت از جریان متعارف مطبوعات کشور عمل می‌کردند که یکی از این روزنامه‌ها به نام «وطن» آن قدر ستایش لرد کرزن نویسنده انگلیسی را برانگیخت که گفت: «روزنامه وطن از شگفتی‌های تاریخ روزنامه‌نگاری است.» (کوئل کوهن، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران) در تاریخ آمده است هنگامی که یکی از سرمقاله‌های این روزنامه برای ناصرالدین شاه خوانده شد بی‌درنگ دستور توقیف روزنامه را صادر کرد. به خاطر این اختناق روشنفکران ترجیح دادند خارج از کشور به فعالیت خود ادامه دهند. مطبوعات خارج از کشور در این دوره دارای چند خصوصیت بودند؛ «اول اینکه مندرجات آنها بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی و تفسیری داشت و بیشتر به اخبار دولتی و داخلی و خارجی می‌پرداختند. دوم اینکه نویسندگان همه آزادیخواه و مشروطه‌طلب و خواستار الغای حکومت استبدادی در ایران بودند. در مرحله سوم هم جراید این دوره و هم نویسندگان آن بر رقابت تحت تاثیر سیستم اجتماعی اروپا قرار داشتند و... مهم‌تر از همه مطبوعات این دوره با مطالب خود توانستند بین روحانیون و روشنفکران ایرانی در اروپا و تحصیل‌کردگان خارجی در ایران پلی ایجاد کنند.

اتفاق بسیار مهمی که در دوران ناصرالدین شاه روی داد تشکیل انجمن‌های مختلف بود. در این زمان دو نوع انجمن در کشور فعال بودند؛ نخست انجمن‌هایی که کارکرد آنها صرفاً محدود به مسائل فرهنگی بود و دیگری انجمن‌هایی بودند که به دلیل کارکرد سیاسی آنها نوعاً سری و مخفیانه اداره می‌شدند. انجمن معارف که از نوع اول است در سال ۱۳۱۶ ق تاسیس شد که روزنامه‌ای به نام «معارف» منتشر کرد. در واقع برای نخستین بار در دوران سلطنت ناصرالدین شاه رسماً یک روزنامه به عنوان ارگان یک انجمن به رسمیت شناخته می‌شود که تحول مهمی در کارکرد مطبوعات آن دوره محسوب می‌شود. دوران مظفری که انتهای آن به انقلاب مشروطه ختم می‌شود از این نظر واجد اهمیت است که برای نخستین بار و به طور رسمی روزنامه‌هایی با عنوان آزاد و غیردولتی به ظهور رسیدند که این مسئله نیز به دلیل صدارت یک‌ساله امین‌الدوله رخ داد. نکته جالبی که درخصوص مطبوعات پیش از مشروطه صادق است نقش حمایت و اعمال سیاست‌های انبساطی دولت در عملکرد و گسترش کمی و کیفی مطبوعات است. در این میان نقش صدراعظم‌ها یا همان روسای دولت در خلق این فضای مناسب حائز اهمیت است، به طوری که امیرکبیر، سپهسالار و امین‌الدوله به‌رغم آنکه صدارت حکومتی مستبد را بر عهده داشتند اما به دلیل روحیات شخصی و آشنایی با اوضاع جهانی موجب ارتقای سطح مطبوعات در دوران خود شدند.

تلخیص: رضا پویا

تقویم

خونی که در راه مشروطه ریخت

۱۹ تیر ۱۲۸۵

صد روز

عین‌الدوله سومین مرحله از تصمیمات خود را به مرحله اجرا گذاشت. او مانند تمام مستبدین که فکر می‌کنند با گرفتن و بازداشت کردن به بقایشان افزوده می‌شود تصمیم گرفت وعاظ و سخنوران را بازداشت و روانه زندان و یا به نقاط دوردست تبعید کند.

صبح امروز دسته‌ای از قشون به رهبری احمدخان یاور، در کوی سرپولک دور حاج شیخ محمد واعظ را گرفته و با بازداشت وی او را به سمت منزل عین‌الدوله حرکت دادند، با آنکه شیخ محمد به احمدخان یاور تذکر داده بود که اگر مرا اینگونه تحت‌الحفظ ببرید در شهر بلوا خواهد شد و پیشنهاد کرده بود که خود از جلو و سربازان از پشت سر او حرکت کنند و به هر جا که آنها می‌گویند بدون سروصدا بروند اما احمدخان یاور به سربازان خود دستور داد او را تحت‌الحفظ به منزل عین‌الدوله ببرند.

طلاب از موضوع آگاه شدند و دور سربازها حلقه زدند. احمدخان نیز که نمی‌خواست درگیر شود شیخ محمد را در قراولخانه‌ای که در آن نزدیکی بود محبوس کرد تا مردم متفرق شوند سپس وی را به سمت جایگاه عین‌الدوله ببرند. وقتی خبر به بهبهانی رسید او پسر خود را به واسطه برای رهانیدن شیخ محمد فرستاد اما کارساز نبود و احمدخان به اقدام خود اصرار می‌ورزید.

هر لحظه به تعداد مردم افزوده می‌شد و کنترل قراولخانه مشکل‌تر می‌شد. مرحوم الذیب الذاکرین کرمانی خود به جلو راه افتاد و مردم را نیز تحریک به شورش و حمله به قراولخانه کرد. مردم به قراولخانه حمله کرده و شیخ محمد را از حبس رهانیدند.

احمدخان به سربازان فرمان شلیک داد. بعد از چند بار شلیک هوایی توسط سربازان یک تیر به ران الذیب الذاکرین خورد ولی وی با این حال شیخ محمد را از آن میان نجات داد و خود نیز خارج شد.

سیدعبدالحمید نامی که از درس آقامیرزا محمدتقی مجتهد گیلانی با جمعی از طلاب دیگر بازمی‌گشت با مشاهده این صحنه به احمدخان معترض شد و گفت: «مگر تو مسلمان نیستی، چرا امر به شلیک دادی؟ مگر اینها مسلمان نیستند، مگر این ادیب نوکر سیدالشهدا نیست که در خون خود می‌غلتد؟...»

احمدخان که از فرار شیخ محمد به شدت عصبانی بود، با شنیدن این سخنان بر عصبانیتش افزوده شد و اسلحه‌ای را به سمت وی نشانه گرفت و گلوله‌ای به طرف سینه وی شلیک کرد و سید مظلوم با همان یک تیر در جا افتاد. مردم بدن او را برداشته و به مسجد معمارباشی بردند و او در حالی که طلب آب کرده بود قبل از رسیدن آب با لب تشنه دارفانی را وداع گفت. طبق روال دولتیان آن روزها، سربازان ریختند و جنازه را با خود بردند تا مستمسکی دست مردم برای شورش نباشد.

میرزاسیدجعفر صدرالعلما یکی از بزرگترین مراجع مذهبی آن دوران با عده زیادی از طلاب به مسجد آمدند و جنازه را از سربازها گرفته و به مسجد جامع نزد آقای بهبهانی بردند. خبر به بازار رسید، مغازه‌های بازارهای شهر بسته شد.

آقایان علما هر کدام با طلاب و نفرات زیادی از نزدیکان به مسجد می‌رسیدند. حاج شیخ فضل‌الله که تا آن روز کمتر به این اجتماعات می‌پیوست، به نوشته ناظم‌الاسلام در ص ۴۸۱ تاریخ بیداری «با کوکبه و جلال همراه عده‌ای از مردم محله سنگلج وارد مسجد جامع شد.» مرحوم طباطبایی نیز که به مسجد عبدالحسین رفته بود، وقتی فهمید همه در مسجد جامع گرد آمده‌اند، حوالی ظهر به مسجد جامع رفتند و طی سخنرانی ضمن دعوت مردم به اتحاد و همدلی چنین گفتند: «بغض و کینه و اغراض شخصیه را کنار گذارده، در زیر لوای اتحاد و توحید در این دوره سلطنت که وزرای خائن و پادشاه رئوف و مهربان و مایل به معدلت و مساوات است... قانون معدلت را دائر کنیم.» آقایان دیگر اصرار به برکناری عین‌الدوله داشتند که آقای طباطبایی گفتند: «اگر عدالتخانه را برپا کنیم دیگر عین‌الدوله داخل آدمی نیست.»

در آن روز همه در مسجد ماندند و دور جنازه سیدعبدالحمید که در وسط مسجد بود به سینه‌زنی و عزاداری پرداختند و بعضی نیز به شهر رفتند تا علما و روحانیون دیگر را به مسجد بیاورند. با آمدن هر یک از آقایان مدارس مذهبی آن محل نیز تعطیل و طلاب و کسبه آن نیز به دنبال آقایان به مسجد می‌آمدند.

منابع:

ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۴۷۸- ۴۸۲ و ص ۱۸۸ الی ۱۹۳
احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۹۵
یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، جلد دوم، ص ۶۶

خبر

تخفیف ویژه ناشران در سالگرد مشروطه

همزمان با برگزاری همایش ایران یک‌صد سال پس از مشروطه ۲۱ ناشر برجسته نمایشگاهی بی‌سابقه از کتاب‌های تاریخ و ادبیات در محل همایش برگزار می‌کنند. کتاب‌های ارائه شده در این نمایشگاه با تخفیف بی‌سابقه ۳۰ درصد در اختیار خریداران قرار می‌گیرد. در این نمایشگاه ناشران آبی، اختران، اساطیر، تاریخ ایران، توس، ثالث، چشمه، شهاب، طرح نو، قصه، کاروان، کارنامه، کتاب روشن، کویر، گام‌نو، مرکز، مروارید، نامک، نگاه، نگاه معاصر و نی شرکت دارند. این نمایشگاه در مرکز همایش‌های بین‌المللی ایران، ساختمان دایره‌المعارف بزرگ اسلام، نیاوران، کاشانک، اول جاده دارآباد، در روزهای ۱۴ و ۱۵ مردادماه برقرار خواهد بود و ورود برای عموم آزاد است.